

Applied Grammar

(Study materials for the students of Persian (Semester-II) of the University of Lucknow)

By: Dr. Md. Arshadul Quadri

Simple Present Tense, Future Tense, Imperatives, sentence making, fill in the blanks, prepositions, plurals etc.

| | | | |
|-----------|----------|--------|--|
| باید بروم | می خواهم | : شاید | صیغه از فعل است که هم بر زمان حال و هم بر آینده دلالت می کند. |
|-----------|----------|--------|--|

| | |
|---|-----------------------------------|
| (می رو - می رو - می ی - می رو ی - می رو - می یم) |): - ی - رو ی - (یم -) |
| (دارد می رود - میروند - داری می روی - دارید می روید - دارم می روم - داریم می رویم) |): - بروی - (بروید - برویم) |



- صیغه ای از فعل است که تنها بر آینده دلالت می کند. این صیغه همیشه با مضارع فعل خواستن بکار می رود.
- نشان می دهد که آغاز تحقق معنای فعل، در زمان آینده خواهد بود.
- خواهم رفت، خواهد گفت، خواهند شنید



- برای انجام شدن یک عمل و یا روی دادن یک وضعیت در زمان حال یا آینده، دستور می دهد. برو، بروید، بنشین، بنشینید

فعل معین

فعل های معین پر کاربرد از این مصدرها هستند:
بودن، شدن، گردیدن، گشتن، خواستن، شایستن، بایستن،

فعلی است که خود دارای معنای خاصی نیست و تنها به ما کمک می کند که ساخت های گوناگون افعال را به کار بریم.

وظیفه چهار فعل معین:

⋮
.

⋮
فعل های بعید و التزامی.

⋮
.

⋮
فعل مجهول.



کلماتی هستند که معنی مستقل ندارند؛ اما کلمه یا عبارتی را به یکی از اجزای جمله می پیوندند، و عبارت، یا کلمه ای را که اسم یا ضمیر است، متمم اسم یا فعل یا صفت قرار می دهند

بیشتر برای ساختن متمم فعل بکار می رود.

Additional Reading:

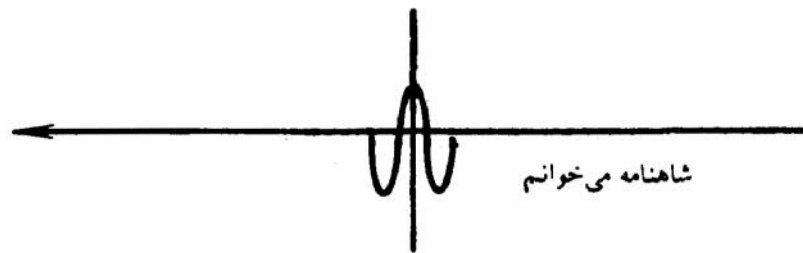
فعل

زمانهای حال و آینده

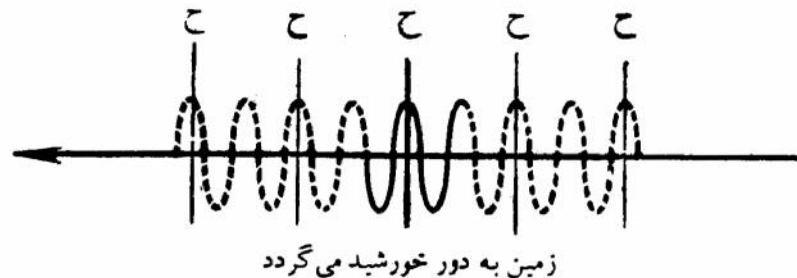
- چه می خوانی؟
 - شاهنامه می خوانم .
 - زمین به دور خورشید می گردد .
 - کی به خانه می روی؟
 - الآن می روم .
 - تابستان به کجا می روی؟
 - در مدت تعطیل به شهر خودم بر می گردم .
- فعلهایی که در این جمله ها آمده است هم بر زمان حال و هم بر آینده دلالت می کند .
- وقتی که شما نشسته اید و کتابی می خوانید و کسی از شما می پرسد :
«چه می خوانی؟» مقصود این است که در همین حال آنچه می خوانید چیست . شما در جواب می گوید : «شاهنامه می خوانم» یعنی هم اکنون

به این کار مشغول هستم .

در جمله «شاهنامه می خوانم» فعلی را بیان می کنید که اندکی پیش از زمان حال آغاز شده و هنگام ادای جمله نیز دوام دارد و هنوز به پایان نرسیده است .

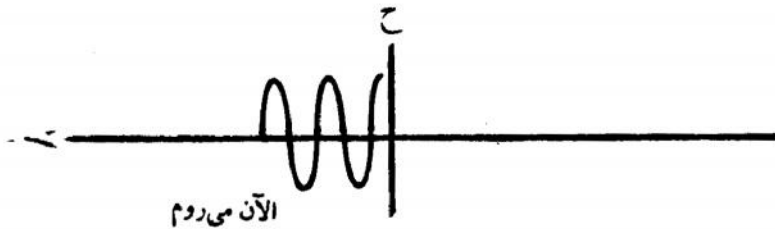


در جمله «زمین به دور خورشید می گردد» فعلی بیان شده است که همیشگی است. بنابراین در هر زمانی که گوینده ای از آن خبر بدهد مانند آن است که در همان زمان انجام می گیرد .

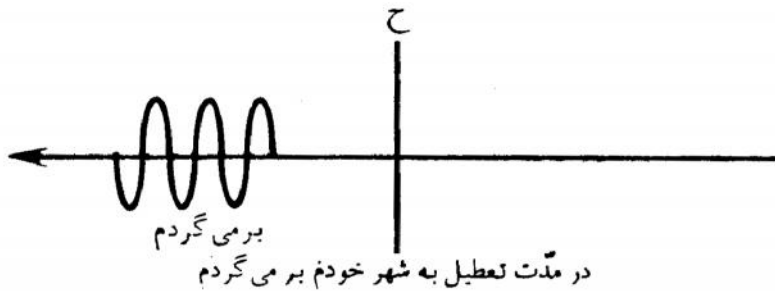


در جمله «الآن می روم» فعلی را بیان می کنید که در آینده

یعنی پس از زمان ادای جمله روی می‌دهد. اما از همین دم آغاز شده‌است.



اما وقتی که می‌گویید: «در مدت تعطیل به شهر خودم برمی‌گردم»
از فعلی خبر می‌دهید که در زمان آینده روی خواهد داد .



پس يك صيغه فعل در زبان فارسی هست که هم بر زمان حال و هم
بر زمان آینده دلالت دارد . یعنی در هر دو مورد می‌توان آن را به کار
برد . این صیغه را «مضارع» می‌خوانیم .

مضارع صیغه‌ای از فعل است که هم بر زمان حال و هم بر آینده دلالت
می‌کند .

با صیغه مضارع گاهی از واقع شدن فعلی در زمان حال یا آینده خبر می‌دهیم و گاهی احتمال یا لزوم وقوع فعلی را در یکی از این دو زمان بیان می‌کنیم:

شاید بروم . می‌خواهم بروم . باید بروم . اگر بروم .

آنجا که صیغه مضارع خبری را بیان می‌کند آن را «مضارع اخباری»

می‌خوانیم: می‌روم، می‌گویم، می‌خوانی، می‌زند، می‌آیند، می‌شنویم.

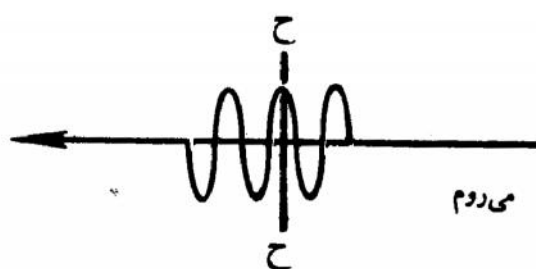
این صیغه‌ها «مضارع اخباری» است.

آنجا که صیغه مضارع فعلی را بیان می‌کند که واقع شدن آن مسلم

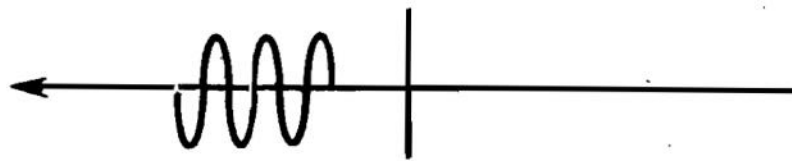
نیست اما ممکن است واقع شود یا قصد انجام دادن آن هست، آن

صیغه «مضارع التزامی» خوانده می‌شود، زیرا که در این حال واقع شدن فعل

«ملازم» یعنی همراه و وابسته به وقوع فعل دیگری است.



اما يك زمان ديگر نيز در فارسي هست كه تنها بر آينده دلالت دارد.
يعني ديگر مفهوم زمان حال در آن نيست.



خواهم رفت

اين صيغه هميشه با مضارع فعل خواستن همراه است. خواهم رفت،
خواهم گفتم، خواهد نشست، خواهد نوشت
اين صيغه را «مستقبل» مي خوانند.

مستقبل صيغه‌ای از فعل است که تنها بر آینده دلالت می کند. اين
صيغه هميشه با مضارع فعل خواستن بکار می رود.

حروف

حرف اضافه

من و فریدون به گردش رفتیم.

فرشته با خواهرش نزد ما آمد.

از تهران تا تجریش با اتوبوس می‌رویم.

می‌خواستم که صبح زود برخیزم.

در این جمله‌ها کلماتی هست که خود معنی مستقلی ندارند. اما آوردن آنها برای ساختن جمله لازم است. این کلمه‌ها را حروف می‌خوانیم. حرف گاهی برای تعیین مقام کلمه در جمله بکار می‌رود، مانند حرف «را» در جمله «کتاب را خریدم» که معلوم می‌کند کلمه کتاب مفعول است. گاهی برای باز بستن دو کلمه بکار می‌رود مانند «و» که دو کلمه من و فریدون را به هم ارتباط داده است و «با» که کلمات «فرشته» و «خواهرش» را به هم ربط داده است. کلمه‌های «از» و «تا» و «با» نیز برای بیان نسبت کلمات «تهران» و «تجریش» و «اتوبوس» به جمله بکار آمده است. اما حرف «که» دو جمله «می‌خواستم» و «صبح زود برخیزم» را به هم ربط می‌دهد.

حروف کلماتی هستند که خود بخود معنی مستقلی ندارند، اما برای پیوستن اجزای يك جمله به یکدیگر یا نسبت دادن و اضافه کلمه‌ای به جمله، یا ربط دادن دو جمله به یکدیگر بکار می‌روند.

حروف را به چند دسته تقسیم می‌توان کرد:

يك دسته از آنها برای آن به کار می‌روند که کلمه‌ای یا عبارتی را به یکی از اجزای جمله بپیوندند و نسبت دهند. این گونه کلمات را «حروف اضافه» می‌خوانیم. (کلمه اضافه اینجا به معنی نسبت است).

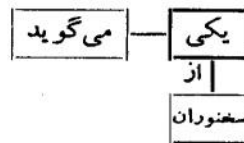
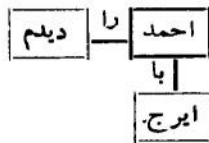
گاهی حرف اضافه اسم یا ضمیری را به اسم یا ضمیر دیگر، یا صفتی

که جانشین اسم است نسبت و پیوند می‌دهد:

یکی از سخنوران می‌گوید.

احمد را با ایرج دیدم.

در این حال کلمه‌ای که پس از حرف اضافه آمده متمم اسم است.

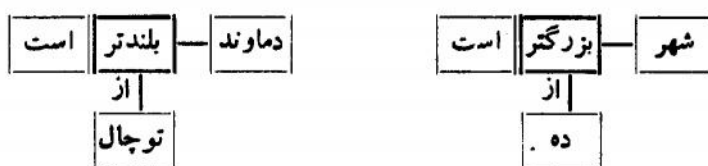


گاهی کلمه بعد از حرف اضافه برای بیان برتری اسمی بر اسم دیگر

در داشتن صفتی است.

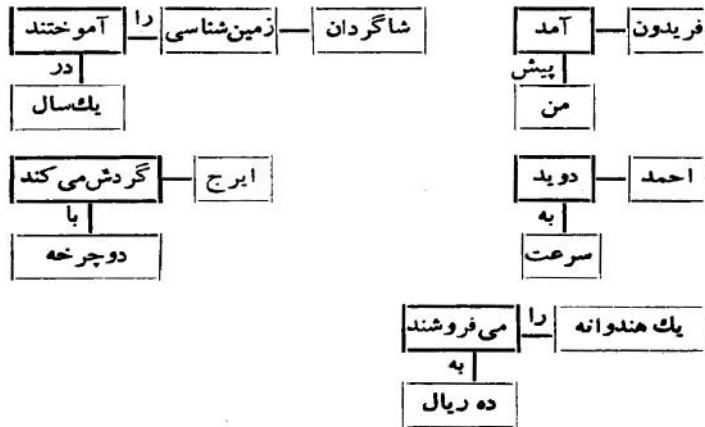
شهر بزرگتر از ده است.

دماوند از توچال بلندتر است.



در این حال این کلمه متمم «صفت برتر» است .
 اما کلمه‌ای که پس از حرف اضافه می‌آید بیشتر وابسته و متمم فعل
 است؛ و در این حال، مانند قید، زمان یا مکان یا مقدار یا چگونگی یا
 وسیله و آلت اجرای فعل را بیان می‌کند :

- | | | |
|---|---|------------------|
| فریدون پیش من آمد . محمد از اصفهان به شیراز رفت . | } | متمم مکانی |
| شاگردان در يك سال زمین‌شناسی را آموختند . از دیروز هوا گرم شد . | } | متمم زمانی |
| احمد به سرعت دوید . کار به‌کندی پیش می‌رود . | } | متمم چگونگی |
| ابرج با دوچرخه‌گردش می‌کند . بام را به‌گل اندود . | } | متمم وسیله و آلت |
| يك هندوانه را به ده ریال می‌فروشند . اینجا متاع عقل به خروار است . | } | متمم مقدار |



حروف اضافه کلماتی هستند که معنی مستقل ندارند؛ اما کلمه یا عبارتی را به یکی از اجزای جمله می‌پیوندند، و عبارت، یا کلمه‌ای را که اسم یا ضمیر است، متمم اسم یا صفت یا فعل قرار می‌دهند. حرف اضافه بیشتر برای ساختن «متمم فعل» به کار می‌رود.